

هامون ایران

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

در معرفی کتاب سیر اندیشه ها در معماری؛ کتابی به قلم سیدحسین موسوی

اسماعیل حسام مقدم، Tuesday, January 1st, 2019

در معرفی کتاب سیر اندیشه ها در معماری

کتابی به قلم سیدحسین موسوی

«سیر اندیشه ها در معماری» عنوان درسی بدون شرح در سرفصل آموزش عالی برای دوره های کارشناسی ارشد ناپیوسته معماری بود که در بازنگری های اخیر از آن خبری نیست؛ قرار بود این درس نگرش عمیق تری نسبت به رویکردهای معماران معاصر و البته گذشتگان ایجاد کند و «خردمندی» و «نقادی» معمار در حال تعلیم در دوره پژوهشی (کارشناسی ارشد) را تعمیم بخشد. اما نه در سرفصل خبری از منابع درس بود و نه عملاً در بازار مأخذی مناسب یافت می شد، چنان که استاد مربوطه درس هم در اولین جلسه به این ضعف اذعان داشت؛ البته این منحصر به وضعیت درسی هم نیست؛ اگر امروز یک جوان علاقمند به معماری بخواهد یک آشنایی مدون با اندیشه های معماران، بدون جهت گیری های متعصبانه هنری داشته باشد، نمی تواند به منابع «تاریخ معماری» برای آن تکیه کند. زیرا تاریخ نگاری معماری مدرن، هیچ گاه جدا از داستان سرایی ایدئولوژیک و جهت گیرانه نبوده است؛ چه آنگاه که موافق مدرنیسم سخن رانده و چه در مخالفت آن؛ چه در دفاع از سنت و چه در نفی آن: با گیدئون و «فضا، زمان، معماری» رسیدن به اندیشه های انتقادی مارکسیستی در مدرنیست های اول، در هیاهوی حس امپرسیونیستی هنرمدرن، گم می شود و با بنه ولو، اندیشه اجتماعی سوسیالیستی، نقش انفرادی اندیشه معمار را نمی توان درک نمود؛ فرامپتون و پوزنر نیز اصلاً در دسترس نیستند که از آن ها سخنی رو و به فرض هم که باشند، همانند رایبر بنهام، آن ها هم از جهت گیری خاص رها نشده اند. به هرحال باید در آشنایی با اندیشه معماری نیز متوجه تمایزی بود که فیلسوفان برای تاریخ نگاری اندیشه فلسفی میان اندیشه افراد و اندیشه درباره موضوعات قایل شده اند؛ اندیشه درباره موضوع و تاریخ آن، سیری قابل فهم را به خواننده می دهد، اما رویکردهای انفرادی در آن گم می شود؛ در مقابل در سیر انفرادی می توان به دقایق و تمایزات و تحولات فکری یک صاحب نظر وقوف یافت و این، برای تعلیم یک نومعمار، ضرورت دارد؛ در عین اینکه خطر آن وجود دارد که این آشنایی به فرو رفتن در قالب اشخاص تبدیل شود و نوعی تقلید متعصبانه حول یک شخصیت را دامن بزند؛ لذا این هنر نگارنده اندیشه هاست که این مانع نشستن غبار تعصب و علاقه کورکورانه بر خواننده شود؛ هم چنین وظیفه اوست که نقادی را ترک نکند و یک چانه به توصیف صرف نپردازد. به نظر می رسد نگاشته تیم آدامز (Tim Adams) که برای ترجمه انتخاب شده است، چنین شرایطی را در خود جمع کرده باشد؛ این نوشتار در اصل درس گفتارهای او در دانشگاه آکلند در حوزه نظری معماری است که برحسب نام افراد تأثیرگذار از دوردست تاریخ تا روزگار معاصر تنظیم شده است. به رغم تمام مزایای این کتاب باید دانست که چنین منبعی برای «شروع» مطالعات در حوزه اندیشه معماری مناسب و نباید صرفاً به آن اکتفا نمود؛ هم چنین باید متوجه بود که مطابق سنت مغرب زمین، اندیشه ها یک سره متعلق به غرب دانسته شده است و در متن خبری از اندیشه معماری در میانه و مشرق جهان - چه به صورت تاریخی و چه معاصر- نیست؛ بر خواننده و معلم معماری نیز این وظیفه وجود دارد که برای شناخت «اندیشه بومی» معماری و قیاس انتقادی آن با این اندیشه های ارائه شده در اینجا اقدام نماید تا

قضاوت یک طرفه پدید آمده در اثر مواجهه با این گونه متن ها تعدیل گردد.

این ترجمه محصول تلاشی طولانی برای دقت و صحت از سوی اینجانب است و کوششی است برای وفاداری توأمان به نویسنده و خواننده تا هم منظورنگارنده مخدوش نشود و هم خواننده در سطح کارشناسی ارشد بتواند آن را به خوبی فهم کند؛ دقت در لغات و عبارات گاه با وسواس و پیگیری از متخصصان، روزها وقت مترجم را به خود اختصاص داده است و می‌طلبد که خواننده این دقت را نظاره کند. برای رسیدن به این دقت از یاری افرادی بسیاری استفاده شد که جای قدردانی و تشکر دارد.

هم چنین این تلاش نیاز به امید و انگیزه داشت که در جهان منفعت طلبانه امروز، خبری از آن نیست؛ شاید تنها انگیزه‌ها مربوط به بزرگانی باشد که با شناخت عمیق از «اجنبی» آن را وانهادند و برای «خودی» ماندن، از تمام وجودشان مایه گذاشتند؛ نام بزرگ شهید رئیس‌علی دلواری، از این منظر در ابتدای این کتاب درج شد که بنماید که فهم عمیق از اندیشه غربی، نه به سواد ظاهری، بلکه به واسطه معرفت عمقی و بینش انسانی است که به قیام منجر می‌شود و این بینش، چیزی است که ده‌ها سال است معماری ما انتظار آن را می‌کشد تا از وابستگی به اندیشه‌های چپ‌گرای دهه ۵۳۱ و بورژوازی متأخر محفل‌های معاصر معماری، گذر کند و به یک غنا (=توانگری) و استغنای درونی دست یابد؛ آشنایی با اندیشه غربی باید ابزار رهایی از آن باشد و این چیزی است که هایدگر در قبال مدرنیته، به عنوان تنها راه آزادی از آن مطرح کرده بود. برای اینکه کمی از این مسیر تسهیل شود، یادداشت‌هایی (انذارهایی) بر برخی نوشتارهای این کتاب به قلم یار دهار و هوشمند آقای دکتر ناری قمی، تعبیه شده است که به زَرِ نابِ ماند تا خواننده کمی با شیوه برخورد انتقادی با متون غربی آشنا تر شود و راه برای داشتن اندیشه مستقل در دانشجو، هموارتر گردد.

وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ
أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ * زمر آیات ۸۱-۷۱

This entry was posted on Tuesday, January 1st, 2019 at 8:56 am and is filed under [گفت و گو](#) و گزارش و

You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can leave a response, or [trackback](#) from your own site.